

از دانایی تا بینایی در مشاوره

هانیه ملکی

«و ما رأيتُ الأجميلا»: چیزی جز زیبایی ندیدم. آیا این روح توحیدی ولی عینی خیلی از اصول مشاوره و روان‌شناسی روز را به هم نمی‌ریزد؟ قدری با هم بیندیشیم.

آری مشاور باید دانا باشد، ولی ضروری است با بینایی عظمت مشاوره‌ای کسب کند. چه بسا مشاور، پس از استماع سخنان مراجع، نسبت به امور او تا حدود زیادی دانش به دست آورد، ولی این دانایی معلوم نیست گره‌گشایی کند. گره‌های روحی و روانی را بینایی می‌گشاید نه دانایی. بهتر بگوییم: کلید دانایی قفل‌های ساده را باز می‌کند، لیکن قدرت بازکردن قفل‌های پیچیده را ندارد.

مشاور باید بین دانایی و بینایی شناور باشد تا در این غواصی حقایق پنهان را ببیند.

حتی توقف در یکی از این دو نیز مطلوب نیست. چون بینایی از طریق کسب دانایی قدرت نفوذ بالاتری پیدا می‌کند و دانایی به وسیله بینایی کارآمدتر می‌شود. وقتی مشاور در خصوص دانایی‌هایش قدرت تحلیل و استنباط بالاتری داشته باشد و از طرف دیگر نیز کار مشاوره را با عشق و تعهد انتخاب کرده باشد، به بینایی می‌رسد.

دانایی مشاور فراتر از بحث خاص مشاوره است و گستره‌ای از دانش تربیتی و تحصیلی دانش‌آموزان را نیز شامل می‌شود. همان مواردی که نمونه‌هایی از آن در محتوای همین شماره مجله (۶۹) تنظیم شده است. در مطالب این شماره مقالاتی ارائه شده‌اند که هر یک به نوعی دانایی یک مشاور را ارتقا می‌دهد. برای مثال، چنانچه یک مشاور آگاه باشد که تقویت مهارت‌های زندگی یکی از عوامل بهبود زندگی است، در هدایت مراجع به سوی موقعیت‌های مطلوب‌تر موفق‌تر خواهد بود.

لذا بیناشدن دو ستون لازم دارد: ستون تحلیل دانایی‌ها و ستون تکیه بر اصالت‌ها. اصالت نیز زاده عشق است؛ عشق به بازکردن گره‌ها و رساندن مراجع به قلّه امید و اعتماد به زندگی.

گاهی استدلال مشاور به استبعاد مراجع منجر می‌شود، زیرا که این عرصه قبل از عقلانیت به رحمانیت محتاج است. رحمانیت مشاور متعهد بی‌شک شاخه‌ای از رحمانیت پروردگار است که برای حل مسائل بندگانش به مشاوران متعهد و مسئول اعطا می‌شود.

اقدام به هر کاری نیازمند داده‌ها و اطلاعات است و این سرمایه عظیم نیز از منبع قابل اطمینانی باید به دست آید. گاهی به دلیل دقت‌نکردن در مورد نحوه دریافت اطلاعات، مطالب زائد و گاه مضر بر ذهن و وجود آدمی مسلط می‌شوند و حداقل در نیل به هدف‌های مورد انتظار کندی و اختلال می‌آفرینند. این قاعده در ارائه خدمات مشاوره‌ای به طریق اولی ضروری‌تر است. زیرا که این عرصه، عرصه سرنوشت آدم‌ها و عرصه حیات معنوی آنان است.

مراجع با دنیایی امید به دفتر مشاور قدم می‌گذارد. چنانچه مشاور صرفاً فردی مطلع باشد نه دانا، قادر نخواهد بود بذر امید مراجع را به شاخه گل نویدبخش تبدیل کند و او را به زندگی زیباتری نوید دهد.

البته دانایی مشاور هر چند لازم است، اما برای آفرینش «بوستان تحول‌زا» در زندگی مراجع کافی نیست. با اینکه دانایی با مطلع‌بودن فاصله عمیقی دارد و به مشاور در مشاوره پختگی می‌دهد، لیکن کفایت نمی‌کند. ما خیلی چیزها را می‌دانیم، ولی خلاف آن عمل می‌کنیم.

این سرمقاله روز دوازدهم محرم (۱۴۰۲) نگارش می‌شود و در این ایام، اسرا کربلا در دست نامردمان از خدا بی‌خبر مبتلای به مصائب عظیم است. سپاهیان بی‌رحم و دنیاپرست می‌دانستند، حسین بن علی (ع) و راه او حق است، ولی چرا به این دانایی عمل نکردند؟ این سؤال بی‌پاسخ تاریخ است که در قیام فرزندش مهدی (عج) پاسخ داده خواهد شد. پاسخ اجمالی این است که سران سپاه، مخصوصاً عمر سعد ملعون، نسبت به امام دانا بودند ولی بینا نبودند. بینایی مقوله‌ای فراعقلی است و با اتصال به حقایق بالاتر از محسوسات حاصل می‌شود.

اکنون که به سیاق مطلب یادی از اسرا کردیم، شایسته است از زینب کبری (س)

یاد کنیم و بگوییم ای متخصصان مشاوره، ای آنانی که درباره روح و روان، و ظرفیت روحی انسان‌ها مطالعه کرده‌اید، آیا قدرت تحلیل صبر دختر فاطمه (س) را در خود می‌بینید؟ آیا تاکنون پیش آمده است درباره این جمله حیرت‌آور و در عین حال کوبنده حضرت زینب (س) بیندیشید که این چه روح بلند و مقاومی است که پس از آن همه مصیبت، در برابر عبیدالله بن زیاد شجاعانه اعلام کرد:

**گره‌های روحی و روانی
را بینایی می‌گشاید نه دانایی.
بهتر بگوییم: کلید دانایی
قفل‌های ساده را باز می‌کند،
لیکن قدرت بازکردن قفل‌های
پیچیده را ندارد.
مشاور باید بین دانایی و
بینایی شناور باشد تا در این
غواصی حقایق پنهان را ببیند**

